

HUMAN
RIGHTS
WATCH

بها انسانی

پیامدهای حملات نیروهای ضد دولتی در افغانستان

دیده بان حقوق بشر
آوریل 2007

فهرست مطالب

1.....	فشرده مطلب
9.....	پیشنهادهات
12.....	نمونه های از کشتار فزاینده غیرنظامیان

فشرده مطلب

منهم از عقب موتر گذشتم که بمب منفجر شد. مثل یک زلزله ای شدید بود. سه الی چهار متر دورتر به هوا پریدم و بزمین خوردم... وقتی که بحال آمدم دیدم که مردم و قطعات بدنشان در همه جا بخاک افتاده است؛ انگشتان دست و پاه و دیگر اجزای بدن در همه جا میان خون دیده میشد... زخمیها داد و فغان می کردند، مردم های دیگر هم داد و فغان می کردند. در همین وقت بمب دیگری منفجر شد... مه همان روز کالای سفید پوشیده بودم، تمام کالایم از خون سرخرنگ شده بود...

خودم بوکس بودم، اما فعلا تیز راه رفته نمی توانم. دیگر بوکس هم نخواهم توانست. پاهایم درد می کند و بمشکل راه می روم. وقتی به این حال و روز خود فکر می کنم، گریه ام میگیره. وگاهی هم که به فکر چیزهای دیگر می افتم و همه اش را می سنجم، دلم می خواهد که این کشور را برای همیشه ترک بگویم.

محمد ی. ا، شرح یک حمله با بمب را بازگو می کرد. 5 جولای 2006¹

طالبان، حزب اسلامی، و سایر گروه های مسلح مخالف دولت افغانستان حملات مسلحانه زیادی را از اوایل سال 2006 تا بحال انجام داده اند. این حملات یا غیرنظامیان را هدف قرار داده و یا هم بدون توجه به تأثیرات آن بر زندگی غیرنظامیان صورت گرفته است. افغانها در جریان زندگی روزمره شان با تجربیات خشونتبار مختلفی مانند بمب گذاری، حملات انتحاری، کمین و ترور در این سال مواجهه بوده اند.

حملات نیروهای ضد دولتی صدمات جدی و جبران ناپذیری را بر زندگی افغانها بیار آورده است. مادران، پدران، زنان، والدین، و اطفال را کشته و معیوب کرده است و شمار کثیری یتیم، بیوه و بی خانمان از خود بجا گذاشته است. نیروهای ضد دولتی قشر وسیعی از غیر نظامیان را مشخصا هدف قرار داده اند که شامل کارمندان سازمان های خیریه، داکتران، روزمزدان، شاگردان، کسبه کاران، روحانیون و کارمندان دولتی مانند معلمین و انجیران می شود. حملات نیروهای ضد دولتی صدمات روانی و جانی ماندگاری بر قربانیان و شاهدان حوادث بیار آورده است و سبب درد و رنج عظیمی برای بازماندگان قربانیان شده است.

این گزارش به حملات نیروهای ضد دولتی و پیامد های آن می پردازد. این گزارش بر اساس گفته های شاهدان و قربانیان حوادث و بازماندگان آن استوار می باشد و به بررسی دقیق اسناد و گزارشات سال 2006 و دو ماه اول سال 2007 می پردازد. این گزارش همچنان اعلامیه های نیروهای ضد دولتی را ارزیابی می کند که در آن مسئولیت حملاتی را که باعث کشته و زخمی شدن غیرنظامیان شده است پذیرفته اند.

تنها نیروهای ضد دولتی مسئول کشتار و زخمی شدن افراد غیرنظامی در افغانستان نیستند. حداقل 260 نفر در جریان حملات نیروهای پیمان ناتو و دولت افغانستان در سال 2006 جان خود را از دست داده اند. بنظر می رسد

¹مصاحبه دیده بان حقوق بشر با محمد ی. ا، کابل، سپتامبر، 2006

تعدادی از این حملات قوانین بین المللی جنگ را نیز نقض کرده باشند. باآنکه مدرکی حاکی از حمله عمدی نیروهای ناتو بر غیرنظامیان در دست نیست، اما نیروهای ناتو گاهی حملات تفکیک نشده ای را براه انداخته اند و گاهی نیز دقت و احتیاط لازم را انجام نداده اند تا از آسیب به غیرنظامیان جلوگیری کنند. دیده بان حقوق بشر در چندین مورد به انتقاد از اینگونه حوادث پرداخته است و از این ببعد نیز بر نحوه عملیات نیروها بین المللی و دولت افغانستان نظارت خواهد کرد. در این گزارش، اما، ما صرفاً به حملات نیروهای ضد دولتی و تأثیرات آن بر غیرنظامیان و زندگی آنان توجه خواهیم کرد.

کشتار غیرنظامیان در سال 2006 سرعت افزایش یافت. باآنکه رقم دقیق تلفات سالهای گذشته در دست نیست، اما افزایش حملات نیروهای ضد دولتی حاکی از آنست که سال 2006 یکی از خونبارترین سال برای شهروندان افغان از دوران سقوط طالبان تا کنون بوده است. حملات انتحاری و انواع دیگر بمب گذاری ها در سال 2006 بیش از دوبرابر افزایش یافت. دیده بان حقوق بشر 189 حمله انتحاری را در سال 2006 ثبت کرده است که تقریباً 500 غیر نظامی در آن کشته شده اند. علاوه بر آن 177 غیرنظامی دیگر در اثر درگیریها، ترور و کمین کشته شده اند.

رویهمرفته، حداقل 669 شهروند افغان در 350 حمله جداگانه نیروهای ضد دولتی در سال 2006 کشته شده اند. (بنظر می آید که حداقل نصف این حملات عمداً بر غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی صورت گرفته باشد.) صدها شهروند دیگر افغان نیز از این حملات شدیداً آسیب دیده اند، زخم عمیق برداشته اند، سوخته اند، دست و پاه آنان شکسته اند. تلفات غیرنظامیان، زخمی ها و کشته شده ها، به بیش از 1000 نفر در سال 2006 رسیده است.

حملات انتحاری، که زمانی یک واقعه نادر در افغانستان بود، حالا به شکل منظم رخ میدهد. حداقل 136 حمله انتحاری در سال 2006 در افغانستان صورت گرفته است، که رشد 6 برابری نسبت به سال قبل نشان میدهد (این رقم زیر مجموعه ای از 189 حمله ای می باشد که قبلاً ذکر شد). حداقل 803 شهروند افغان در جریان این حملات انتحاری کشته و یا زخمی شده اند (272 کشته و 531 زخمی). حداقل 80 حمله یعنی اکثریت آن بر اهداف نظامی صورت گرفته است، اما باآنهم، شمار کشته شدگان غیرنظامی پنج برابر نظامیان در این حوادث بوده است (181 غیر نظامی در مقابل 37 نظامی).

کشتار و آسیب غیرنظامیان در سال 2007 ادامه یافت. در دو ماه اول سال 2007، نیروهای شورشی حداقل 25 حمله نظامی را سازمان دادند که با کشتار غیرنظامیان همراه بوده است. در نتیجه این حملات که بشکل حملات انتحاری، کمین، شلیک، آدم ربایی و اعدام های بدون محاکمه صورت گرفته است 52 شهروند افغان کشته و 83 تن زخمی شده اند.

دارایی های مردم نیز از حملات نیروهای ضد دولتی مصئون نبوده است. بعلاوه دکانهها، خانه ها و ساختمان های تولیدی که بخاطر حملات و بمب گذاری های نیروهای ضد دولتی صدمه دیده است، مکاتب که تنها نمونه حاکمیت دولت در مناطق دورافتاده می باشند توسط نیروهای ضد دولتی به آتش کشیده شده اند. در سال 2006، بمب گذاری و آتش زدن مکاتب دو برابر شد و این رقم از 91 حمله در سال 2005 به 190 حمله در سال 2006 افزایش یافت. اینگونه حملات تا بحال ادامه دارد.

نقض قوانین جنگ

تلفات غیرنظامیان در جریان درگیریهای مسلحانه لزوماً نتیجه نقض قوانین بین المللی جنگ نمی باشد. طبیعت درگیریهای مسلحانه معاصر به گونه ای است که غیرنظامیان غالباً در جریان نبردهای مسلحانه که حتی متناسب با قوانین بین المللی جنگ باشند کشته و یا مجروح می شوند.

اما، دیده بان حقوق بشر به این نتیجه رسیده است که بسیاری از تلفات غیرنظامیان که در نتیجه حملات نیروهای ضد دولتی در سال 2006 بوقوع پیوسته عمدی و قابل اجتناب بوده است. نیروهای ضد دولتی منظم غیرنظامیان را هدف قرار داده و بدون تفکیک میان اهداف نظامی از غیرنظامی تعرض کرده اند و یا حملاتی را انجام داده اند که میدانسته اند صدمات آن بر غیرنظامیان بیشتر از نظامیان خواهد بود. چنین حملاتی قوانین بین المللی جنگ را نقض می کند. نقض جدی قوانین بین المللی جنگ، جنایت جنگی بحساب می آید. چنین جنایاتی در حوزه قضایی دادگاه بین المللی قرار می گیرد که افغانستان در سال 2003 آن را تصویب نموده است.

شکی نیست که مسئولیت بیشتر این حملات بعهد طالبان و نیروهای ضد دولتی می باشد. سخنگوی طالبان مسئولیت دوسوم حملات انتحاری رابعده گرفته اند، بخصوص حملاتی که در ولایات جنوب و جنوبشرقی کشور صورت گرفته است. گرچند بعضی اوقات ادعای طالبان چیزی جز لاف بی پایه نیست. در باره حملاتی که در سمت شمال و شرق کشور صورت می گیرد اسناد کافی وجود دارد که نشان می دهد شبکه حزب اسلامی گلبدین حکمتیار در آن دست دارند. یکی از گروههای دیگری که باطالبان در این نآرامیها شریک می باشد، گروه جیش المسلمین است که تحت فرماندهی جلال الدین حقانی قرار دارد. این گروه در بیشتر نآرامیهای که در ولایات خوست و جلال آباد صورت گرفته دست دارد.

توجهات نیروهای شورشی

نیروهای ضد دولتی در افغانستان ادعا می کنند که عملیات نظامی آنان عموماً مشروع می باشد، و حتی آنگاهیکه غیرنظامیان را هدف قرار می دهند مشروعیت دارند.

اعلامیه های مطبوعاتی فرماندهان و سخنگویان مختلف طالبان و همچنان اسناد مربوط به شواری طالبان نشان میدهند که رهبران طالبان حمله بر کارمندان دولتی افغان، معلمین، کارکنان سازمان های خیریه و یا هرکسی که با دولت پرزدنت کرزی همکاری کند را مشروع می دانند. سخنگوی طالبان مسئولیت آدم ربایی و قتل شماری از کارکنان سازمان های امدادی بین المللی را پذیرفته و ادعا کرده اند که آنان را بخاطر "جاسوسی برای امریکایی ها" نیروهای ناتو و ائتلاف بین المللی کشته اند.²

چنین بیانیه های صریحاً مخالف قوانین بین المللی می باشد که حمله عمدی بر غیرنظامیان را که مستقیماً در جنگها سهم نگرفته باشند ممنوع میدارد. این اعمال سران گروه طالبان را متهم به جرایم جنگی مینماید. بعلاوه، نشر چنین

²بیانیه سخنگوی طالبان، قاری محمد یوسف به خبرنگار رویتر. "افغانها در تلاش یافتن آلبانیایی ربوده شده اند" رویتر، 12 مارچ 2006. این بیانیه در مورد چهار شهروند مقدونیه بود (که در اول اشتباهاً آلبانیایی گزارش شده بود) که چند روز بعد توسط طالبان اعدام شدند. بعد از قتل آن چهار نفر، یوسف به رادیویی بی بی سی گفت: "ما هرآنکسی را امریکاییان را کمک کنند، خواهیم کشت." افغانها در آزاد سازی گروگانان کشته شدند" بی بی سی، 17 مارچ 2006.

اعلامیه های نه تنها زمینه نقض بیشتر قوانین جنگی را فراهم می آورد بلکه فرماندهان پایین رتبه را تشویق به نقض آن مینماید.

باآنکه سخنگو و فرماندهان طالبان گاهگاهی نگرانی خود را در باره حفظ جان شهروندان ابراز میدارند، اما با توجه به حوادث مندرج در این گزارش نمی توان ادعاهای آنان را قابل قبول دانست. اکثریت افغانهای در مصاحبه با دیده بان حقوق بشر با اشاره به کشتار و آسیب غیرنظامیان، ادعای طالبان را مبنی بر احترام و حفظ جان شهروندان کاملاً پوچ خوانده اند. قابل یاد آور است، آنگاه که طالبان ورهبران نیروهای ضد دولتی نگرانی خود را در مورد جان غیر نظامیان ابراز میدارند، هدف آنان آنعده غیرنظامیان می باشد که با دولت و سازمان های خیریه کار نمی کنند، و افراد غیرنظامی مطابق به دیدگاه طالبان شامل آن افرادی نمی شود که مطابق قوانین بین المللی از جمله افراد مصئون می باشند. طالبان شهروندان غیرنظامی را که مطابق به دیدگاه آنان از جمله افراد "معصوم" نمی باشند مصئون نمی دانند. این مسئله خود بی توجهی طالبان و گروه های شورشی دیگر را به زندگی آنعده غیرنظامیان نشان میدهد که مطابق به قوانین بین المللی از جمله افراد مصئون اند. باید بخاطر داشت که نگرانی در مورد شماری از غیرنظامیان توجیح عملکرد غیرقانونی در مورد شمار دیگر شده نمی تواند.

انواع حملات غیرقانونی

نیروهای ضد دولتی حملات غیرقانونی ذیل را در سالهای اخیر مرتکب شده اند:

— حملات عمدی بر شهروندان، مانند ترور کارمندان دولتی و معلمان، بمب گذاری در بازار های پرجمع و ساختمان غیرنظامی مانند مکاتب و کلینیک های صحتی.

— حملات تفکیک نشده، که به آن نوع از حملات نظامی اطلاق می شود که حمله کننده وسیله نظامی (نوع اسلحه) و یا شیوه نظامی ای (نحوه استفاده از اسلحه) را بکار می برد که میان افراد نظامی و غیرنظامی فرق نمی تواند قابل شود. طور مثال، کاشتن ماین های ضد وسایل نقلیه در سرک های عمومی و یا فرستادن حمله کننده انتحاری به محلات پر جمع بدون توجه به تلفات غیرنظامیان.

— حملات نامتناسب، یا آن نوع حملاتی که در آن انتظار می رود تلفات و یا آسیب غیرنظامیان در مقایسه با دستاورد نظامی بیش از اندازه باشد؛ مثلاً، پرتاب بمب بر هدف نظامی کوچک در محله پرجمع، که بلاشک افراد غیرنظامی بیشتری در آن کشته خواهد شد.

بنظر می آید نیروهای ضد دولتی تعدادی از حملات را صرفاً غرض ایجاد وحشت در میان غیرنظامیان براه انداخته باشند که این تاکتیک جنگی نیز قوانین بین المللی جنگ را نقض می باشد. نیروهای ضد دولتی کارمندان دولتی را ظاهراً غرض خلق وحشت هدف قرار می دهند تا سایر مردم را از همکاری با دولت برحذر دارند و به این منظور پیام و ابلاغیه های تهدید آمیز بیشماری را در میان مردم پخش کرده اند. نیروهای ضد دولتی همچنان حملات انتحاری زیادی را در مناطق مسکونی انجام داده اند که هدف از آن نیز بنظر می آید صرفاً هراساندن مردم عام باشد. بعلاوه، نیروهای ضد دولتی با نصب اعلامیه ها و شب نامه های تهدید آمیز اخطار میدهند تا مردم با دولت و نیروهای بین المللی همکاری نکنند.

نیروهای ضد دولتی در جریان بعضی از حملات و بویژه بمب گذاری های انتحاری خود را کاملاً شبیه مردم عام میسازد و بعد دست به حملات انتحاری می زنند. این گونه عملیات نقض صریح قوانین بین المللی جنگ می باشد و از آن در قوانین بین المللی جنگ بنام حملات ریاکارانه یاد می شود. (حملات ریاکارانه به آن نوع از فعالیت های

نظامی اطلاق می گردد که یک جنگجو خود را تغییر لباس داده و ظاهر یک شهروند عادی بخود می گیرد تا مسئولیت حقوقی بدست آورد، اما به فعالیت نظامی خود ادامه دهد. چنین فعالیت های نظامی تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان را دشواری می سازد و در نتیجه خطر تلفات غیرنظامیان را در جریان فعالیت های نظامی نیروهای دولتی و ناتو بیشتر می سازد. طور مثال، نیروهای ناتو با توجه به حملات انتحاری که توسط وسایط نقلیه ملکی و یا ریاکارانه توسط نیروهای ضد دولتی صورت گرفته بود بر چند عراده موتر شخصی که به طرف ستون نظامی آنان در حال حرکت بود، با تصور اشتباه اینکه راننده از جمله حمله کننده انتحاری است در سال 2006 شلیک کردند.

قوانین بین المللی جنگ از جنگجویان می خواهد که باید همه تدابیر لازم احتیاطی را بخاطر کاهش و حداقل آسیب به جان و مال غیرنظامیان رویدست گیرند. نیروهای ضد دولتی با نادیده انگاشتن این اصل در چندین عملیات نظامی مرتکب جنایت جنگی شده اند و با بار آوردن تلفات جانی و صدمات مالی نامتناسب بر شهروندان در یک رشته از عملیات نظامی مرتکب نقض قوانین بین المللی جنگ شده اند.

تعدادی از حملات نیروهای ضد دولتی در محلات پرجمع و یا در نزدیکی محلات مسکونی و تجاری صورت گرفته است. همچنان بمب گزاران در چندین مورد از مواد انفجاری بسیار قوی استفاده کرده اند که میدانسته اند انفجار بعلاوه تخریب و خنثی سازی هدف نظامی، صدمات مالی و جانی بیش از حد برای غیرنظامیان ببار خواهد آورد.

حمله کننده انتحاری اکثرا با موتر و یا پیاده اقدام به عملیات انتحاری کرده است. حمله انتحاری از لحاظ تئوریک حمله بسیار دقیق است، اما دیده بان حقوق بشر دریافته است که حمله کننده انتحاری در عمل خود را در بسیاری موارد قبل از وقت و یا محل نامناسب انفجار داده اند، بدون آنکه انتحار کننده به تلفات غیرنظامیان کوچکترین توجهی داشته باشند. دیده بان حقوق بشر همچنان به این نتیجه رسیده است که در همه این موارد انتحار کننده خود را شبیه مردم عام ساخته است. چنانچه قبلا ذکر شد این حرکت باعث در خطر افتیدن بیشتر غیر نظامیان در جریان عملیات نظامی می شود. تمایل طالبان و سایر فرماندهان گروه های ضد دولتی به استفاده از سلاح در مناطق پرنفوس و بویژه بمب های انتحاری که صدمات تفکیک ناپذیری را میان نظامیان و غیرنظامیان ببار می آورد از جمله تخطی های جدی قوانین بین المللی جنگ محسوب میشود و عاملین آن نیز جنایتکار جنگی بحساب می آیند.

دیده بان حقوق بشر در مورد اقدامات نظامی نیروهای دولتی و بین المللی و حفظ جان مردم عام از اثرات ناگوار جنگها نگرانی دارد. قوانین بین المللی جنگ از تمام طرف های درگیر می خواهد تا نیروهای درگیر از تمام امکانات لازم جهت حفظ جان غیرنظامیان در مقابل اثرات جنگ در مناطق تحت کنترل خود استفاده کنند. از آنجمله، نباید طرف های درگیر ساختمان های نظامی را در نواحی مسکونی و یا در مجاورت مناطق رهائشی اعمار کنند. این مسئولیت هم بر عهده دولت است و هم بر عهده متحدین بین المللی آن و هم بر نیروهای ضد دولتی. از اینرو، بآنکه دولت موظف به تامین امنیت مردم می باشد، اما دولت نباید بخاطر اجرای این وظیفه مردم عام را در معرض آسیب قرار دهند. مثلا نیروهای دولتی می توانند از گزرمه در محلات پرجمع که انتظار می رود مورد هدف نیروهای شورشی قرار گیرند اجتناب ورزند و از اعمار ساختمان های نظامی در نزدیکی محلات مسکونی دوری کنند.

عملیات گروه‌های ضد دولتی علاوه بر تلفات جانی و مالی، صدمات شدید روحی بر افغانها وارد کرده است.

شهزاد پسر 9 ساله ای است که در جریان یک حمله انتحاری که با سوء قصد به جان یکی از اعضای پارلمان افغانستان صورت گرفته بود شکمش کاملا دریده و روده هایش بیرون می افتد. شهزاد به دیده بان حقوق بشر گفت حمله زمانی اتفاق افتاد که او بعد از دعا از یکی از زیارتگاه های شهر پا به بیرون گذاشته بود و همراه با برادرش راه میرفت.

انفجار در راه خانه شد. شکم پاره شد و فکر کردم که حتما می میرم... بعضی وقت ها همین حادثه را خواب می بینم-کابوسی است که نپرس. باورم نمی شد که زنده بمانم. شروع کردم به گفتن کلمه شهادت. بخاطری که فکر می کردم دیگر می میرم.

غلام راننده یک سرویس شهری کابل به دیده بان حقوق بشر گفت که کار صبحانه اش با انفجار یک بمب در جولای 2006 در داخل سرویس شهری که وی راننده آن بود دیگر به کابوس وحشتناکی تبدیل شده است:

انفجار نور بسیار روشن و صدای مهیبی داشت. بس به یک جهنم مبدل شد. تمام بس را آتش گرفته بود... اولین چیزی که فهمیدم همین بود که بدجوری سوخته بودم...

شخصی که در پهلویم بود جابجا جان داد، حتی او را تکان داده هم نتوانستم. خونریزی زیاد داشتم، اما به یک شکلی خود را از بس بیرون کردم. مردم و پولیس را صدا می زدم که بیایند و کمک کنند. اما همه کس از ما میترسیدند و فرار می کردند.

حملات غم های جانگدازی را در میان بازماندگان حوادث بجا گذاشته است. محمد هاشم که خانمش بی بی سعادت در ماه می سال 2006 در شمال افغانستان احتمالاً توسط شلیک نیروهای ضد دولتی کشته شده باشد، سوگمندانه چنین به دیده بان حقوق بشر گفت:

زن بسیار مهربانی بود. مثل این بود که ما تازه عروسی کرده باشیم. بهترین دوستم بود... او را از دست دادم و تنها چیزی که عایدم شده افسردگی است. به هراتاقتی که میروم و یادم می آید که او یک وقتی در آنجا بوده، بی نهایت دق می شدم... بخاطر مرگ خانم از همه چیز سیر آمدم. از دولت و دنیا دلگیر شدیم.

حملات نیروهای ضد دولتی شیرازه زندگی روزمره را در افغانستان از هم گسستاده است. علاوه بر پیامد های روشن این حملات که همانا مرگ و زخمی شدن صدها غیرنظامی می باشد، حملات صدمات جانبی دیگری نیز به همراه داشته است. شهروندان عادی افغان مانند دهقانان، بناه ها، تکسی رانان... با یک اقتصاد کاملاً ورشکسته روبرو اند؛ بیکاری، کمبود خدمات صحی، خدمات اجتماعی و سیستم آموزشی زندگی را بر مردم مشکل ساخته

است. از آنجاییکه تعداد زیادی از حملات علیه کارمندان دولتی، سازمان های غیردولتی و کارمندان پروژه های عمرانی صورت میگیرد، فعالیت های حیاتی دولتی و عمرانی در نواحی ناامن بحالت تعلیق در آمده است. در نتیجه کمک های بشردوستانه و عمرانی که از قبل در افغانستان کم صورت گرفته بود، سیر نزولی بیشتر بخود گرفته و زمینه زندگی برای افغان ها باز هم مشکلتر کرده است.

بسیاری از افغان ها در نتیجه خشونت ها که به ظاهر تصادفی بنظر می آیند از محلات خود بیجا شده اند. از اینرو، مهاجرین که در خارج بسر می برند تمایلی برای برگشت به نواحی که هر روز بی ثباتر می شود نشان نمی دهند. بیش از یکصد هزار نفر در سال گذشته از مناطق جنوبی کشور به دلایل امنیتی و جنگ بیجا شده اند. صدها هزار مهاجر افغان که در ایران و پاکستان بسر می برند عمدتاً بخاطر مسایل امنیتی نمی خواهند دوباره به کشور بازگردند. مهاجرینی که به کشور باز گشته اند صرفاً در شهرها و بخصوص در کابل ماندگار شده اند. تعداد زیادی از افغان ها از برگشت به وطن امتناع می ورزند. بیش از سه ملیون مهاجر افغان حال حاضر در خارج از افغانستان بسر می برند.

درگیریهای مسلحانه و بیجا شده گان در ولایت جنوب و جنوبشرقی، مانند کندهار، هلمند، ارزگان، زابل، پکتیا، پکتیکا و کنر جدی بوده است. این مناطق از جمله محلاتی است که طالبان و نیروهای شورشی دارای ریشه های فامیلی بوده و ضمناً از حمایت های دیگر نیز برخوردارند. این محلات در نزدیکی مرز پاکستان قرار دارد و بیشتر از 70% حملات مسلحانه خطرناک در سال گذشته در همین مناطق رخ داده است. بسیاری از افغانان و کارمندان سازمان های خیریه این مناطق را از جمله "مناطق جنگی" می شمارند. پروژه های انکشافی دولتی و مساعدت های بشردوستانه در این مناطق هیچ وجود ندارد.

جای تعجب نیست که این محلات از جمله بی ثباتترین مناطق افغانستان بحساب میاید. شواهد بشکل قانع کننده ای نشان می دهد نیروهای ضد دولتی در مناطق مرزی و قبایلی پاکستان بدون کمترین مداخله از جانب نیروهای پاکستانی آزادانه رفت و آمد می کنند. بسیاری از دسته های ضد دولتی منظم از مناطق مرزی عبور کرده و بعد از حمله به خاک افغانستان دوباره حتی در شهر های پاکستان مانند چترال، پشاور، کوئته پناه می گزینند. شواهد قانع کننده زیادی وجود دارند که نشان میدهند مقامات پاکستانی در درجات مختلف به نیروهای ضد دولتی مشوره داده و از آنان حمایت می کنند. تعدادی از مقامات پاکستانی علناً پذیرفته اند که به طالبان کمک می کنند.

با توجه به این واقعیات، ادعا های پاکستان را نمی توان مبنی بر سرکوبی نیروهای ضد دولتی و طالبان جدی گرفت. اما با آنهم نادرست خواهد بود که تمام عوامل بی ثباتی افغانستان را به فعالیت آزادانه و پوشش نیروهای ضد دولتی در خاک پاکستان نسبت داد. فعالیت های نیروهای ضد دولتی (و مشکلات مرتبط با آن) تنها به به ولایت جنوبی و جنوب شرقی افغانستان که هم مرز با پاکستان است محدود نمی باشد. برخلاف، نیروهای مخالف دولت حملات و بمب گذاری های خود را در سمت شمال و غرب کشور و کابل نیز برآه می اندازند. بی ثباتی عمومی تقریباً زندگی مردم را در همه نقاط کشور متأثر ساخته است. تقریباً یک سوم حملات نیروهای ضد دولتی که غیر نظامیان در آن جان باخته اند در محلات غیر مرزی با پاکستان صورت گرفته است. نیروهای ضد دولتی به آسانی در سراسر افغانستان فعالیت می کنند.

بسیاری از افغانان در مورد تلفات غیرنظامیان در جریان حملات نیروهای ضد دولتی بر پایگاه های نظامی نیروهای دولتی و متحدین بین المللی آن و همچنان حملات عمدی نیروهای ضد دولتی بر غیرنظامیان به دیده بان حقوق بشر شکایت کرده اند.

محمد یوسف که از وی در ابتدایی این گزارش نقل شد و خود یکی از قربانیان حمله انتحاری 5 جولای 2006 کابل می باشد که در آن حمله انتحار کننده ظاهرا شهریان بی دفاع را هدف قرار داده بود، می پرسد "چرا آنان این حمله انتحاری را انجام دادند؟" یوسف به دیده بان حقوق بشر گفت "گناه من چیست و چرا طالبان مه را می خواهند که بکشند!"

مه یک کارگر معمولی استم و با کسی دشمنی ندارم. هیچ یکی از افراد طالبان را نمی شناسم... هیچ کسی از آنان را نمی شناسم. مه که با آنان دشمنی ندارم. در آنروز مه که نیروهای آیساف {ناتو} را (وقتی که بمب انفجار کرد) در آنجا ندیدم... مه فقط مردم های خود، افغانهای خود ما را، در آنجا میدیدم. مقصد آنها کی بود- خود مردم؟ مه که نفهمیدم که کی مقصد آنها بود و چی مقصد آنها بود. مه که نمی فهمم اصلا مقصد آنها چی است.

حبیب الله که برادر خود را در بمب گذاری ماه می 2006 که هدف آن یک گشت نیروهای ناتودر کابل بود از دست داد ضمن محکومیت این حملات به دیده بان حقوق بشر گفت: "این حرامزاده ها خود را منفجر می کنند. خارجیها را نمی کشند. فقط آدم های بیگناه را می کشند. معلوم است که قصد آنان فقط کشتن افراد بی دفاع است."

پیشنهادهات

قوانین بین المللی جنگ محدودیت های را بر فعالیت های نظامی تمامی طرف های درگیر در جنگ وضع می کند. نیروهای نظامی دولتی و مخالفین مسلح آن نباید عمداً غیرنظامیان و امکانات غیرنظامی را هدف قرار دهند؛ و یا دست به حملاتی زنند که میان نظامیان و غیرنظامیان نتوانند تفکیک قابل شوند؛ و یا تلفات بیشتر غیرنظامیان را نسبت به هدف متصوره نظامی ببار آورند؛ و یا حملات و فعالیت های را انجام دهند که هدف آن اساساً ایجاد ترس در میان غیرنظامیان باشد؛ و یا حملات عهد شکنانه را با تغییر لباس انجام دهند. نیروهای درگیر باید همه امکانات لازم را بکار گیرند تا به جان غیرنظامیان آسیب نرسانند. نیروهای شورشی نباید در حملات متقابل خود ساحه عملیات نظامی را در نزدیکی محلات بودباش غیرنظامیان انتخاب کنند و از انجام عملیات در ساحات پرنفوس اجتناب کنند. نیروهای دولتی و بین المللی، به هر اندازه که ممکن باشد، باید از استقرار نیروی نظامی و عملیات در ساحات پرنفوس اجتناب کنند. دیده بان حقوق بشر پیشنهادت مشخص ذیل را به طرف های درگیر ارائه می کند:

به طالبان، حزب اسلامی، جیش المسلمین، نیروهای جلال الدین حقانی، و دیگر گروه های مسلح مخالف:

- از حملات عمدی بر غیرنظامیان و امکانات غیرنظامی اجتناب کنند. رهبران و فرماندهان طالبان و دیگر گروه های ضد دولتی باید نیروهای خود را از حمله بر اهداف غیر نظامی برهذر دارند. مطابق به قوانین بین المللی جنگ، نیروهای نظامی صرفاً می توانند نیروهای نظامی دشمن، امکانات نظامی آنان و بالاخره غیرنظامیانی که مستقیماً در جنگ شرکت کرده باشند، هدف قرار دهند. کارمندان دولتی، کارکنان سازمان های خیریه و انکشافی، معلمین، خبرنگاران، داکتران و سایر غیرنظامیان که مستقیماً در جنگ شرکت ندارند از جمله افراد مصئون بشمار می روند. امکانات غیرنظامی مانند مکاتب، شفاخانه ها و سرپناه های مردم نباید مورد حمله قرار گیرند، مگر آنکه محلات مذکور در همان وقت مورد استفاده نظامی توسط دشمن قرار گرفته باشند.
- نیروهای ضد دولتی باید از تمام حملاتی که نمی توانند میان نظامیان و غیرنظامیان تفکیک قابل شوند و یا تصور می کنند که آسیب بیشتری بر غیرنظامیان نسبت به هدف نظامی ببار خواهند آورد خود داری کنند. نیروهای ضد دولتی که بر اهداف نظامی حمله می کنند باید تمامی امکانات لازم را بکار گیرند تا غیرنظامیان در معرض کمترین آسیب قرار گیرند. نیروهای ضد دولتی نباید حمله ای را انجام دهند که تصور می شود آسیب بیشتری بر غیرنظامیان ببار خواهند آمد. طالبان و نیروهای ضد دولتی دیگر باید از حمله بر مناطق پرنفوس مانند سرک های پراز دحام، قریه، بازار، محلات تجمع مردم با توجه به غیرقانونی بودن این حملات خودداری کنند.
- از حملاتی که انتظار می رود اساساً وحشت در میان غیرنظامیان خلق کند اجتناب کنند. طالبان و نیروهای ضد دولتی دیگر نباید مردم را تهدید کنند و یا حملاتی را انجام دهند که قصد آن گسترش وحشت در میان غیرنظامیان باشد. نیروهای ضد دولتی نباید مردم غیرنظامی را با "شبنامه ها" و اعمال دیگری که غرض

آن گسترش ترس در میان آنان باشد به وحشت اندازند. چنین تاکتیک ها در قوانین بین المللی جنگ ممنوع می باشد.

■ از حملات ریاکارانه و پوشش لباس غیرنظامی در حملات نظامی اجتناب کنند. اعضای طالبان و دیگر گروه های ضد دولتی نباید بخاطر امتیاز در پیشبرد عملیات نظامی به شهروند بودن تظاهر کنند و از امتیاز حقوقی شهروند غیرنظامی که مصئون از تعرض اند سوء استفاده کنند. سوء استفاده از موقعیت شهروندی، غیرنظامیان را در جریان عملیات نظامی به مخاطره می اندازد. نیروهای ضد دولتی می توانند غرض پیشبرد مقاصد نظامی خود از نیرنگ، استتار، تطمیع، حملات ساختگی، و یا پخش شایعه استفاده کنند، اما آنان نباید خود را مانند شهروندان عام نشان دهند.

■ به قوانین بین المللی جنگ باید خود را ملزم بدانند. نیروهای ضد دولتی باید علنا تعهد خود را به قوانین جاه افتاده بین المللی مانند ممنوعیت حمله بر اهداف غیرنظامی، حملات تفکیک نشده، و حملاتی نا برابر (یا حملاتی که نفع نظامی آن در مقایسه با تلفات غیرنظامیان بیشتر باشد)، حملاتی که قصد آن اساسا ایجاد ترس در میان شهروندان باشد، و حملات ریاکارانه (مانند پوشش لباس غیرنظامی در اجرا عملیات نظامی) ابراز دارند. اینها از جمله قوانینی اند که افغانها با استناد به آن نیروهای اتحاد شوروی وقت و ائتلاف بین المللی تحت رهبری امریکا را در جریان جنگ های سال 2001 انتقاد می کردند.

به دولت افغانستان، نیروهای ائتلاف بین المللی، بشمول ایالات متحده امریکا، ناتو و بقیه کشورها:

■ بخاطر کاهش آسیب به غیرنظامیان در مورد شیوه های نظامی کنونی خود تجدید نظر کنند و به ارزیابی مجدد پالیسی های خود در مورد استقرار و انتقال نیرو و گزرمه های امنیتی بپردازند. نیروهای دولتی و بین المللی در معرض بیشترین تهدید حملات نیروهای ضد دولتی قرار دارند، از اینرو باید نیروهای خود را از غیرنظامیان و امکانات غیرنظامی دروטר مستقر سازند. تامین امنیت گاهگاهی از نیروهای امنیتی می خواهد تا در نزدیکی محلات مسکونی مستقر شوند. اما این نیروها باید حتی المقدور تدابیر احتیاطی لازم را رویدست گیرند تا در صورت خطر، آسیب کمتری به غیرنظامیان وارد شود. مثلا نیروهای دولتی و ائتلاف بین المللی می توانند پایگاه ها، پوسته های تلاشی، و پایگاه های موقتی خود را دورتر از محلات مسکونی برپا دارند.

■ در مورد برخورد با حمله کنندگان انتحاری، چه بالقوه و چه بالفعل تجدید نظر کنند. نیروهای دولتی و متحدین بین المللی آن باید پالیسی های کنونی خود را در مورد شناسایی و هشدار به غیرنظامیان بهتر سازند تا از شلیک اشتباهی بر غیرنظامیانی که اشتباها تصور می شود از جمله انتحار کننده باشد جلوگیری کنند. تعدادی از تدابیر احتیاطی را که می شود در این راستا رویدست گرفت عبارتند از:

— نمایش پوسته های بازرسی و ستون های نظامی با خطوط درشت دری و پشتو و رنگ های روشن،

— حضور دایمی مترجمان در پوسته های واری،

— تسلط ابتدایی عساکر بین المللی حاضر در پوسته های واری به زبان دری و پشتو.

— راه اندازی کارزارهای آموزشی برای آگاهی شهروندان در باره نحوه برخورد با پوسته های واریسی و ستون های نظامی.

به دولت پاکستان:

- باید در مورد آنچه از نیروهای ضد دولتی که تصور می رود مرتکب تخطی های جدی حقوق بشر شده باشند تحقیق کرده و آنان را محاکمه کنند.
- به حمایت خود از نیروهای ضد دولتی خاتمه بخشید، و نباید اجازه دهد تا نیروهای ضد دولتی از خاک پاکستان منحصی پناهگاه استفاده کند و آنانی را که تصور می شود مرتکب جنایات جنگی شده باشند محاکمه کند. دولت پاکستان نباید اجازه دهد تا مقامات پاکستانی در سطح فدرال، ولایتی و محلی از نیروهای ضد دولتی که مرتکب نقض قوانین بین المللی جنگ شده حمایت کند و به آنان پناه دهد.

به رهبران سیاسی، مدنی، مذهبی افغانستان، پاکستان و کشورهای دیگری که از طالبان حمایت سیاسی و عملی می کنند:

- حملات عمدی به بجان غیرنظامیان را شدیداً محکوم کنند. حملات تفکیک ناشده و حملاتی که تلفاتی جانی بیشتری به غیرنظامیان ببار می آورند، و یا بصورت ریاکارانه صورت می گیرد شدیداً محکوم کنند. رهبران سیاسی، مدنی، مذهبی، و قومی و مقامات دولتی محلی- صرفنظر از دیدگاه شان در مورد فعالیت نیروهای ضد دولتی- باید شیوه های غیرقانونی عملیات نظامی نیروهای ضد دولتی را در افغانستان محکوم کنند. شیوه های غیرقانونی عملیات نظامی عبارتند از ترور، اعدام، حمله بر غیرنظامیان، بشمول کارمندان ملکی دولتی و سازمان های خیریه، و محلات غیرنظامی مانند مکاتب و مراکز صحتی می باشد.

کشتار فزاینده غیرنظامیان: داده ها و نمونه ها

دیده بان حقوق بشر علاوه بر معلوماتی که قبلا ذکر شد گزارشات و یافته های منتشر شده و منتشر نشده دیگری را نیز در باره تلفات و آسیب غیرنظامیان ارزیابی کرده است. این بخش به ارزیابی یافته های فوق اختصاص دارد.

غیرنظامیان هدف اصلی حملات

نیروهای ضد دولتی حملات زیادی را در سال 2006 به راه انداختند که در آن غیرنظامیان کشته و یا زخمی شدند. براساس معلومات جمع آوری شده توسط ما، منابع خیری معتبر بین المللی و داخلی، و ارزیابی گفته های شاهدین و قربانیان حوادث، دیده بان حقوق بشر به این نتیجه رسیده است که غیرنظامیان حداقل در 350 حمله نیروهای ضد دولتی کشته و یا زخمی شده اند. در این حملات که به اشکال مختلف مانند بمب گذاری، حملات انتحاری، آدم ربایی، شلیک و اعدام صورت گرفته است حداقل 660 غیرنظامی افغان کشته شده اند.³ (این رقم شامل آن غیرنظامیانی که در جریان برخوردهای نظامی میان نیروهای دولتی و متحدین بین المللی آن با نیروهای ضد دولتی کشته شده اند نمی شود).

ارقام ارائه شده در اینجا بسیار محافظه کارانه است. شمار زیادی از مقامات افغان اظهار میدارند که بسیاری از کشته و زخمی ها هیچ گزارش داده نمی شوند، و بعلاوه برخورد های که در مناطق دوردست صورت می گیرند گزارش نشده باقی میماند. رقم واقعی افرادی که در جریان حملات نیروهای ضد دولتی کشته شده اند احتمالا خیلی بالاتر است.

اکثریت غیرنظامیان در نتیجه انفجار بمب جان خود را از دست داده اند، اما شمار زیادی آنان نیز در جریان شلیک و یا بعد از آدم ربایی جان خود را از دست داده اند.

معلومات زیرین به اساس داده های موجود ترتیب شده است:

بمب گذاری- حملات انتحاری و کار گذاری مواد انفجاری:

- حد اقل در 189 حمله بمی نیروهای ضد دولتی در سال 2006 غیرنظامیان کشته شده اند. این حملات به شکل انتحاری و یا کنترل از راه دور صورت گرفته است.
- در نتیجه 189 حمله بمی 492 غیرنظامی کشته، 773 نفر زخمی شده اند. با این حساب در مجموع 1000 غیرنظامی آسیب دیده است.

³ در اوایل جنوری 2007، یکی از افسران استخبارتی ایالات متحده امریکا به نیویارک تایمز گفت: "بمب گذاری های کنار جاده از 783 حادثه در سال 2005 به 1677 حادثه در سال 2006 دوبرابر افزایش پیدا کرده است. شمار حملاتی که نیروهای نظامی از آن به عنوان "حملات مستقیم" یاد می کنند- یعنی حملاتی که شورشیان از اسلحه سبک مانند نارنجک، و سلاح های دیگر در فاصله نزدیک استفاده می کند از 1558 حمله در سال 2005 به 4542 حمله در سال 2006 افزایش داشته است." دیوید کلاید، "ایالات متحده از افزایش حملات شورشیان خبر می دهد،" نیویارک تایمز، 16 جنوری 2007

- هدف 118 حمله مقاصد نظامی، اما 57 حمله مشخصاً غیرنظامیان بوده اند. هدف 14 حادثه دیگر در هاله ابهام است.
- در نتیجه 118 حمله ای که متوجه مقاصد نظامی بوده است 268 غیرنظامی کشته و 534 غیرنظامی زخمی شده اند.
- در نتیجه 57 حمله ای که متوجه غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی بوده است 192 غیرنظامی کشته و 215 نفر زخمی شده اند.

شلیک، آدم ربایی، اعدام و حملات غیر بمبی:

- حداقل 177 غیرنظامی در نتیجه شلیک مستقیم، آدم ربایی و اعدام و حملات غیربمبی کشته شده اند.

حملات انتحاری

حملات انتحاری که یک پدیده نادر در افغانستان بود اکنون بشکل منظم اتفاق می افتد. دو حمله انتحاری در سال 2003، شش حمله در سال 2004، و بیست و یک حمله در سال 2005 صورت گرفت. اما در سال 2006، حداقل 136 حمله انتحاری در افغانستان صورت گرفت که یک رشد 6 گونه را نشان می دهد. (قابل یاد آوریست که این رقم زیر مجموعه ای از 189 حمله ای که قبلاً ذکر شد می باشد.) ارقام جمع آوری شده توسط نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا رقم مشابه یعنی 139 حمله در سال 2006 را نشان میدهد. این رقم شامل حملات گزارش نشده توسط مجامع عمومی نیز می شود.⁴ مقامات نظامی امریکا از افزایش حملات انتحاری در سال 2007 خبر می دهند.⁵

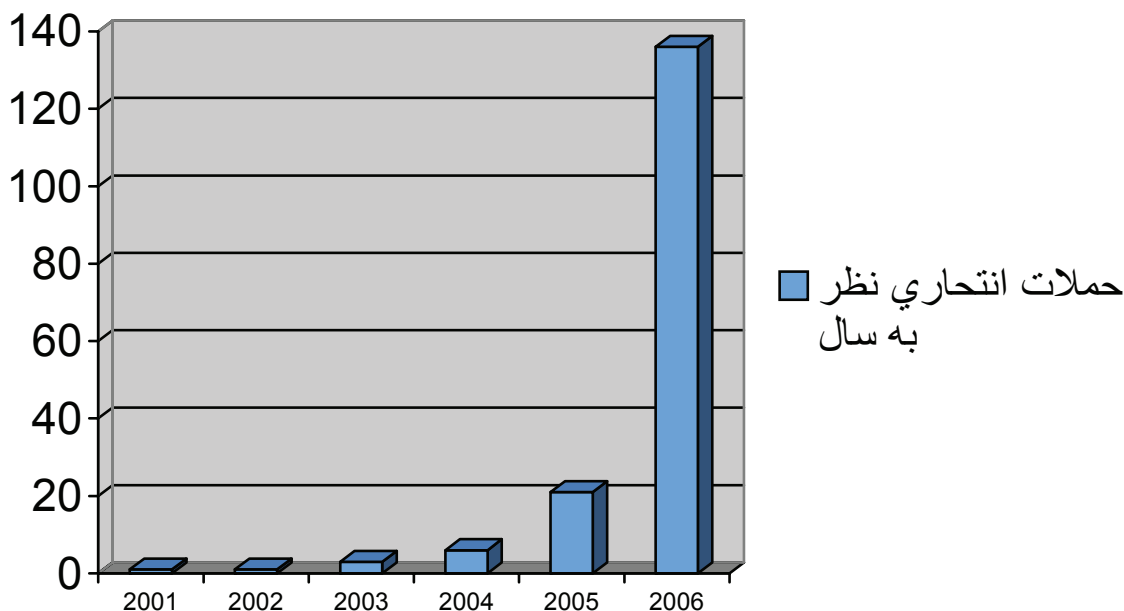
حداقل 803 غیرنظامی (272 کشته و 531 زخمی) در نتیجه حملات انتحاری سال 2006 آسیب دیده اند.⁶

چنانچه در بخش تحلیل حقوقی گفته شد، حملات انتحاری شیوه غیرقانونی در جنگ نمی باشد، اما در افغانستان این شیوه جنگ بلاشک قوانین بین المللی جنگ را نقض کرده است. اولاً انتحار کننده ریاکارانه اقدام به انتحار می کند (یعنی حمله کننده ظاهر غیرنظامی بخودمی گیرد تا به هدف نظامی نزدیک شود)، ثانیاً انتحار کننده معمولاً غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی را هدف قرار میدهند، و بالاخره انتحار کننده در مورد آسیب به غیرنظامیان هیچ توجه ندارد.

⁴ دیوید کلاید، "ایالات متحده از افزایش حملات شورشیان خبر می دهد"، نیویارک تایمز، 16 جنوری 2007 "فرمانده جدید نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا از افزایش حملات شورشیان در سال 2007 خبر می دهند."

⁵ "آسوشیئد پرس در 29 جنوری 2007 به نقل از دگر جنرال دیوید رودریگز، فرمانده شاخه 82 هوایی نیروهای امریکایی نوشت: " ما فکر می کنیم که نیروهای ضد دولتی از حملات انتحاری و حملات دیگری که به باور آنان موفقیت آمیز بوده در سال آینده زیادتر استفاده کنند... ماهمچنان پیش بینی می کنیم که آنان از حملات همیشگی خود برای به ستوه آوردن نیروهای امنیتی دولت افغانستان و قوای ائتلاف نیز استفاده خواهند کرد

⁶ " دیده بان حقوق بشر ارقام و داه های فوق را در یک دوسیه ویژه جمع آوری کرده است. دفتر خبررسانی امنیتی سازمان های غیردولتی افغانستان نیز از افزایش سریع حملات انتحاری در نیمه دوم سال 2006 خبر داده اند. نگاه کنید، " حکایت زمستانی: حملات کمتر، تهدیدات بیشتر، " دسامبر 2006



منبع: داده ها مطابق به معلومات جمع اوری شده توسط دیده بان حقوق بشر ترتیب داده شده است.

طالبان که تصور می شود مسئول اکثریت حملات انتحاری اند، در مورد کشتار غیر نظامیان هیچ نگرانی ای تا کنون از خود ابراز نداشته اند. ملا دادالله، یکی از فرماندهان ارشد طالبان، درکست ویدیویی که در سال 2006 انتشار یافت از انتحار کننده گان به شدت تمجید کرد و ادعا کرد که حملات انتحاری موثرترین شیوه مبارزاتی در مقابل نیروهای خارجی تاکنون بوده است.⁷ قاری یوسف احمدی، سخنگوی طالبان، در دسامبر 2006 به خبرنگاری پژواک گفت که حملات انتحاری در سال 2007 ادامه خواهد یافت و اضافه کرد که " حملات انتحاری

⁷ برای مشاهده فلم به وبسایت ذیل مراجعه کنید:

<http://www.siteinstitute.org/bin/articles.cgi?ID=publications239006&Category=publications&Subcategory=o>

سخنگوی طالبان قاری یوسف احمدی به خبرنگاری پژواک گفت: "حملات انتحاری یکی از شیوه های مبارزاتی ما است که توسط مجمع عالی طالبان تصویب شده است." خبرنگاری پژواک؛ و ریکارد حملات انتحاری سال 2006 در میان دوسیه های دیده بان حقوق بشر. آسوشیتد پرس: در یکی از مصاحبه با فرمانده طالبان در مورد محبوبیت حملات انتحاری در میان طالبان وضاحت بیشتر داد. برای معلومات بیشتر نگاه کنید: نورخان، "فرمانده طالبان می گوید هزاران انتحار کننده برای تنفیذ قانون اسلامی آماده شهادت اند،" آسوشیتد پرس، 10 اکتوبر 2006. خبرنگاری آسوشیتد پرس با یکی از فرماندهای طالب بنام ملا نظیر احمد حمزه در ولایت زابل مصاحبه کرد. موصوف در مصاحبه فوق ادعا کرد: "هروقتی مجاهدین برای جهاد اعلام آمادگی می کنند، معنی آن آمادگی برای قربانی دادن است... هرگاه ضرورت به انتحار کننده باشد من آماده ام جان خود را فدا سازم. آن روز خوشبختترین روز زندگی من خواهد بود. من هر لحظه آماده ام در مقابل امریکایی ها و متفقین آن حمله انتحاری را انجام دهم. ما دولت اسلامی و قانون اسلامی می خواهیم. ما امریکایی و عیسویت را نمی خواهیم... من حیث یک مسلم این وظیفه دینی من است که جهاد کنم و در برابر امریکایی ها مقاومت کنم تا به دورانی که آنان از کشور ما خارج نشوند." گفته های حمزه لاف زننده است تا به جدی. اما می تواند برای تحریک انتحار کننده گان مفید واقع شود.

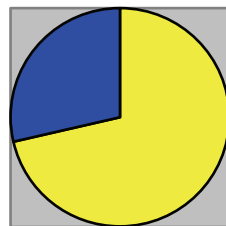
بخشی از مبارزه مسلحانه ما است که توسط شواری عالی نظامی ما تصویب شده است.⁸ گلبدین حکمتیار نیز حملات انتحاری را تایید کرده است.⁹

ارقام تلفات انتحاری در سال گذشته موید روشن اثرات ناگوار این حملات بر غیرنظامیان است. بیش از 80% حملات انتحاری (112حمله) در سال 2006 بر مراکز و وسایل نظامی صورت گرفته است، در حالیکه هدف 13% (18حمله) شهروندان غیرنظامی و مراکز غیرنظامی بوده اند. (هدف 6 حمله روشن نیست)¹⁰ بیش از 200 غیر نظامی در نتیجه 18 حمله انتحاری در سال گذشته کشته شده اند (91 کشته و 119 زخمی).

حملات انتحاری از لحاظ فرضی حملات دقیق و سنجیده شده اند: انتحار کننده مواد انفجاری را می تواند با دقت بیشتر از سلاح های هدایت شده بکارگیرد. از اینرو، حملات انتحاری از لحاظ فرضی سلاح تفکیک شده است و نمی تواند تفکیک ناشده استفاده شود. اما انتحار کننده در بسا موارد سراسیمه شده و با دست و پاچگی مواد انفجاری خود را قبل از وقت انفجار می دهد. در افغانستان بسیاری از انتحار کننده گان مواد انفجاری خود را قبل از وقت و به دور از هدف خود منفجر کرده اند و در نتیجه باعث کشته و زخمی شدن تعداد بیشتر غیرنظامیان شده اند.

بآنکه هدف اکثریت حملات انتحاری مراکز نظامی بوده اند، اما قربانیان اصلی آن غیرنظامیان بوده است. از 112حمله ای که به ظاهر انتحار کننده مقاصد نظامی را هدف قرار داده بود، صرف 32 آن همراه با قتل غیرنظامیان نبود.¹¹ 80 حمله باقیمانده که بر مقاصد نظامی در سال 2006 صورت گرفت، 57 حمله آن بیشتر باعث قتل غیرنظامیان شد تا به نظامیان. (به گراف نگاه کنید).

حملات انتحاری بر نیروهای نظامی افغان و قوای بین المللی در سال 2006



در 57 حمله غیرنظامیان نسبت به نظامیان بیشتر کشته شده اند

در 23 حمله نظامیان نسبت به غیرنظامیان بیشتر کشته شده اند

⁸ " حملات انتحاری در سال 2006" خبرگزاری پژواک، 6 جنوری 2007؛ همچنان در جمله اسناد ثبت شده موجود با دیده بان حقوق بشر.

⁹ مصاحبه با گلبدین حکمتیار، "من بر روی زمین و زیر چتر آسمان زندگی می کنم." روزنامه چراغ، 6 مارچ کابل.

¹⁰ از جمله 180 حمله ای که با وسایل انفجاری علیه مقاصد نظامی صورت گرفته بود، 91 آن انتحاری و 89 آن غیرانتحاری بوده است (که با کنترل از راه دور انفجار داده شده اند). از 62 حمله ای که علیه مقاصد غیرنظامی صورت گرفته بود، 20 آن انتحاری و 42 آن غیرانتحاری بوده است. 5 حمله ناموفق نیز در سال گذشته انجام شد که در آن انتحار کننده قبل از وقت خود را منفجر کرد.

¹¹ عرض تصحیح مطلب باید بگویم که این عدد شامل حملات انتحاری عمدی نمی شود.

رویه‌مرفته، 80 حمله انتحاری بر مقاصد نظامی 181 کشته غیرنظامی و 37 کشته از نظامیان امریکایی، ناتو، قوای ائتلاف، ارتش و پولیس افغانستان را بیار آورده است. و یا به گفته دیگر، در حملات انتحاری سال 2006 که بر مقاصد نظامی صورت گرفته است، تلفات غیرنظامیان پنج برابر نظامیان بوده است.

حملات انتحاری در مجموع اثرات ناگوار بیشتر بر غیرنظامیان افغان داشته است. در نتیجه حملات انتحاری که بر مقاصد نظامی و غیرنظامی صورت گرفته است، 803 غیرنظامی افغان در سال 2006 کشته و یا زخمی شده اند (272 کشته و 531 زخمی). با توجه به این رقم تلفات غیرنظامیان 8 برابر نظامیان در نتیجه حملات انتحاری در سال 2006 بوده است.

حمله بر مکاتب

کشتار غیرنظامیان تنها مشکل افغانان در سال 2006 نبود که به وخامت گرایید. نیروهای ضد دولتی سیستم آموزشی افغانستان رانیز در این سال هدف قرار دادند: مکاتب، معلمین، والدین آماج اصلی این حملات بودند. دیده بان حقوق بشر در یک گزارش اختصاصی بنام -درس های وحشت- بمب گذاری های نیروهای ضد دولتی علیه مکاتب افغانستان بخصوص مکاتب دخترانه، ترور و تهدید معلمین و شاگردان را در سال 2006 ثبت نموده است.

چنانچه در ابتدایی این گزارش آمد، نیروهای ضد دولتی مکاتب را بدلائل ایدئولوژیک، سکیولر بودن، دخترانه بودن و خصلت سمبولیک آن یعنی حضور دولت در مناطق دورافتاده و کارخارجیها هدف قرار میدهند.

مشکلات مندرج در گزارش درسهای وحشت از زمان نشر گزارش عمیقتر شده است. رویه‌مرفته نیروهای ضد دولتی حداقل 190 حمله را بر مکاتب، شاگردان، معلمین، و کارمندان مکاتب در سال 2006 سازمان داده اند که دوبرابر سال 2005 است.¹²

شمار دانش آموزان ثبت نام کننده در مکاتب بخاطر افزایش حملات شورشیان بخصوص در مناطق جنوب کاسته شده است. یونیسف در اوایل اگست، یعنی در نیمه دوم سال تعلیمی 2006، گزارشی را نشر کرد که نشان میداد در چهار ولایت جنوبی افغانستان بیش از نیمه همه مکاتب بخاطر تهدید نیروهای ضد دولتی بسته شده اند و نظر به این گزارش تقریباً 100000 شاگرد از درس محروم شده اند.¹³ در اگست 2006، وزارت معارف افغانستان بیانییه ای را صادر کرد که در آن گفته شده بود میان ماهای جنوری و جولای 2006 بیش از 41 دانش آموز، معلم و کارکنان مکاتب افغانستان کشته شده اند.¹⁴

¹²نگاه کنید به ضمیمه ب، "حمله بر نظام آموزشی افغانستان 2005-2006"

¹³صندوق بین المللی کمک به اطفال، "یونیسف نگران عقب گشت معارف افغانستان است" 4 اگست 2006. یونیسف گفت که میان ماه جنوری و جولای 11 حمله بمی، 50 حمله خرابکارانه، 37 تهدید، و یک حمله موشکی را ثبت کرده است.

¹⁴. وزارت آموزش افغانستان، "معارف در خطر است" اگست 2006، نگاه کنید: به گزارش گروه بین المللی بحران، "مقابله با شورشیان افغانستان، راه حل سریع ندارد" گزارش اسپایی، شماره 123، نوامبر 2، 2006 که در سایت ذیل قابل دسترس است:

<http://www.crisisgroup.org/home/index.cfm?id=4485&l=1>.

پرزدنت کرزی در سخنرانی ماه اکتوبر 2006 گفت که بیش از 200000 طفل افغان در نتیجه خشونت در سراسر کشور از تعلیم محروم شده اند.¹⁵

بیجا شده گان و عدم رشد اقتصادی

خشونت باعث رکود اقتصادی و بیجا شدن مردمان زیادی در افغانستان شده است.

از آگست تا به سپتامبر 2006، تقریباً 15000 الی 20000 فامیل افغان-90000 الی 120000 نفر- از ولایات ارزگان، هلمند، کندهار بخاطر خشونت و جنگ مطابق به آمار دفتر پناهندگی سازمان ملل بیجا شده اند.¹⁶ تقریباً 115000 افغان از سایر ولایات بیجا شده اند، وبعلاوه حداقل 200000 افغان تنها در داخل سه ولایت پراشوب، ارزگان، هلمند، کندهار بیجا شده اند. شمار دیگر افغانان از ولایتهای سرحدی هم مرز با پاکستان مانند پکتیکا، پکتیا، خوست، ننگرهار و کنریجا شده اند. گذشته از آن میلیونها مهاجر افغان که باشند این ولایات اند نمی خواهند که از ایران و پاکستان و سایر کشورها دوباره به افغانستان برگردند.¹⁷

در اواخر 2006، کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور مهاجرین یادآوری کرد که دفتر مذکور عاجز از فراهم آوری کمک های لازم برای مهاجرین خشونت های نواحی جنوبشرقی افغانستان اند:

امنیت مسئله نگران کننده در نواحی جنوب و جنوبشرقی افغانستان خواهد ماند جاییکه نیروهای ضد دولتی در آن فعال اند و دست به عملیات انتحاری، کمین، و انفجار میزنند. روشن است که چنین اقداماتی روند اصلاحات اداری را در ولایات و ولسوالی های آشوب زده به کندی مواجهه خواهند ساخت. دسترسی دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد به مهاجرین در سال 2007 باز هم محدود خواهند ماند.¹⁸

تقاضا کمیساریای سازمان ملل متحد در امور مهاجرین از جامعه بین المللی خود نمایانگر خرابی اوضاع می باشد:

تا تحریر این گزارش، وضعیت در جنوب و جنوبشرق افغانستان بی نهایت نگران کننده است و این وضعیت دسترسی به مهاجرین و بازگشت کننده گان را تقریباً غیرممکن ساخته است...

¹⁵ پامیلا کانستیل، "مکاتب خانگی از ترس مخفیانه فعالیت می کند،" واشنگتن پست، 13 اکتوبر 2006

¹⁶ برای معلومات جامعتر در باره بیجا شده گان داخلی در افغانستان به گزارش مرکز نظارت بر بیجا شده گان داخلی بنام "جنگ ها در جنوب موج جدیدی از بیجا شده گان را به ارمان آورد،" 22 دسامبر 2006 نگاه کنید که در سایت ذیل قابل دسترسی است: <http://www.unhcr.org/cgi-bin/texis/vtx/rsd/rsddocview.pdf?tbl=RSDCOI&id=459e656d2>.

¹⁷ همانجا، همچنان نگاه کنید به گزارش کمیساریای عالی سازمان ملل متحد، "افغانستان: برنامه سال 2007،" سپتامبر 2006 صفحه 2، که در سایت ذیل قابل دسترسی است: <http://www.unhcr.org/home/RSDCOI/4505323f2.pdf>, p. 2, at:

¹⁸ نگاه کنید: "Afghanistan: 2007 Country Operations Plan," p. 1, UNHCR.

وضعیت امنیتی یک موضوع نگران کننده است و چنین نیز خواهند ماند و مانع فعالیت های بشردوستانه ما بخصوص در نواحی جنوب و جنوبشرقی کشور خواهد شد.¹⁹

کمیساریایی عالی سازمان ملل متحد برای مقابله با موجی از بیجا شده گان داخلی رقم 52 میلیون دالر امریکایی از جامعه بین المللی تقاضا کرد. اما دفتر مذکور پیش بینی می کند که شاید در حدود 400000 مهاجر افغان دوباره به کشور برگردد.²⁰

مهاجرین دورنمایی روشنی در برگشت به کشور ندارند. علاوه بر خشونت، دسترسی دولت و سازمان های بین المللی بشردوستانه در نواحی جنوب و جنوبشرقی کشور محدود می باشد. از مدتی دوسال بدینسو، تطبیق پروژه های انکشافی در ولایات جنوبی و جنوبشرقی که خشونت در آن گسترده می باشد به حال تعلیق در آمده است.

¹⁹نگاه کنید: "تقاضای بین المللی،" ص 205-208؛ و همچنان در سایت ذیل: <http://www.unhcr.org/home/PUBL/455443a90.pdf>

²⁰کمیساریایی عالی سازمان ملل متحد در امور مهاجرین، " افغانستان: برنامه های ابراتیفی سال 2007،" ص 2-5 و "تقاضای جهانی" ص 205-206.